



مروری بر تاریخچه روایتگری جنگ در گفت‌وگو با یکی از راویان دفاع مقدس

راویان جنگ ۱۷ شهید داده‌اند



فرماندهی جوان

غلامحسین پهبودی اکنون روایتگری یکی از ارکان اصلی کاروان‌های راهیان نور است. «راوی» خاموشی رمل‌های فکه و سکوت خاک‌های شلمچه را معنا می‌بخشد و تاریخ جنگ را آنطور که هست برای نسل‌های جوان تر شرح می‌دهد. درواقع آنچه دیگران شنیده‌اند، راوی به چشم دیده و همین خاطرات جسته و گریخته‌ای که گرد هم می‌آیند، پازل تاریخ جنگ را شکل می‌دهند. اما شاید کمتر کسی بداند که روایتگری دفاع مقدس در همان ماه‌های اول جنگ تحمیلی آغاز شد. برای اولین بار در سال ۱۳۶۰ بود که دفتر سیاسی سپاه با اعزام راوی‌ها به مناطق عملیاتی دفاع مقدس، به ثبت جزء به جزء وقایع جنگ پرداخت. احمد دقایقی از راویان دفاع مقدس در این خصوص می‌گوید: «شروع این کار

از سخنان حضرت امام شکل گرفت. ایشان بعد از گذشت‌ش جنگ، صحبت‌هایی با این مضمون داشتند که نگذاریم تاریخ حماسه و مقاومت ملت ایران را کسروی‌ها بنویسند. همینطور فرمودند که حماسه‌های شما در تاریخ ثبت خواهد شد. فرمایشات ایشان جرقه ثبت وقایع جبهه‌ها را در ذهن آقای ابراهیم حاج محمدزاده زد که آن موقع مسئول دفتر سیاسی سپاه و عضو شورای عالی سپاه بود.» به این ترتیب در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ و پیش از آغاز عملیات طریق القدس، مجموعه «راویان جنگ» در دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل گرفتند. راوی‌ها در طول هشت سال جنگ، به‌رغم کمبود نیرو، امکانات محدود، کاستی‌های ساختاری و سایر دشواری‌ها، هزاران گزارش مستند و مهم از جبهه‌های جنگ در قالب نوارهای کاست، دفترچه‌های راوی، گزارش‌های

عکس، نقشه و سند جمع‌آوری، ثبت و ضبط کردند. بالای یک میلیون برگ گزارش و نزدیک به ۵۰ هزار ساعت نوار کاست حاصل تلاش راوی‌ها است که چون یادگاری‌هایی بر جای مانده است.

دقایقی از شروع کار راوی‌ها می‌گوید: «ابتدای کار ما دو گروه شدیم؛ یک گروه چهار، پنج نفره به سرپرستی آقای محمد درودیان به جبهه‌های جنوب رفتند و یک گروه هم به سرپرستی آقای محمدالله‌پاری که من هم در گروه‌ش بودم، به جبهه‌های غرب رفتیم. کمی بعد آقای الله‌پاری منتقل شدند و بنده سرپرست راویان غرب شدم. آقایان اسدی، مینو و یکی، دو نفر دیگر از جبهه‌های بومی منطقه، در گروه ما بودند. شیوه کارمان اینطور بود که در منطقه عملیاتی با گزارشی مستند و مهم از جبهه‌های جنگ در قالب نوارهای کاست، دفترچه‌های راوی، گزارش‌های

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید سید زین‌العابدین قدمی از شهدای عملیات بدر

لباس فرم سپاه کفن زین‌العابدین شد

می‌شد روزی را بشکنیم. لب‌های زین‌العابدین خشک و رنگش پریده بود. هر چه صدایش می‌زدم بی‌ساروزات را بشکن، قبول نمی‌کرد و می‌گفت روزه یا سختی‌هایش قشنگ است. از پنج برادر که در جبهه بودیم سه جانباز و یک شهید تقدیم کردیم. همیشه می‌گفت شما پیش پدر و مادر باشید، من می‌روم جبهه. هر چه «گر، اما و شاید» می‌کردیم توی کتفش نمی‌رفت که نمی‌رفت. زین‌العابدین با لشکر ۱۷ علی‌ابن ابیطالب(ع) قم اعزام شد. زین‌العابدین ۹ ماه در جبهه حضور



بارها دیدمش. اسم امام حسین(ع) که به میان می‌آمد و ذکر مظلومیت آن حضرت، اشک سید زین‌العابدین جاری می‌شد. چه عشقی داشت! همیشه به حالتی غبطه می‌خوردم. او دوران کودکی‌اش را در روستا گذراند و دوره تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در همان جا به پایان رساند. زمان پیروزی انقلاب ۱۵ سال داشت و در فضای انقلاب و تظاهرات‌های مردمی شرکت داشت.

برادرم برای ادامه تحصیل و ورود به دبیرستان به دامغان آمده و موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. دانشجوی اما وقتی شرایط موجود در کشورش را دید تصمیم گرفت به جبهه برود. **سهمیه جنگی**

زین‌العابدین اولین رزمنده خانواده ما بود و پیشگام جبهه رفتن شد. آن زمان ۱۸ سال داشت. ما پنج برادر هم‌زمان با هم در جبهه حضور داشتیم. گاهی هر سه ما در یک عملیات با هم بودیم. به‌رغم اینکه خانواده ما یک خانواده روستایی بود و به نیروی کار نیاز داشت، اما با اعزام ما به جبهه موافقت می‌کردند. والدینمان اعتقاد داشتند که باید سهمی از این حماسه بزرگ داشته باشند.

خوب به یاد دارم تابستان بود و فصل درو و پیداد گرم‌ا. گرمای هوا و گرد و غبار گندم‌زار باعث

جدول

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره۵۶۱۵

از راست به چپ

■ ۱-جاذبه سیاحتی انزلی – گناهی که در همین دنیا تقاض خواهد داشت■ ۲- نوعی حلوا- واحدی در زمان- واسطه■ ۳-ردیاب- روز قیامت- ارواره■ ۴- به تنهایی- صوت درد- مسأوی- غلام و بنده■ ۵- تیم سردار آزمون- وسط- به نوبت کنایه از لزوم رعایت کردن نوبت است■ ۶- موی گردن اسب- فاتح قلعه الموت- لقب اروپایی■ ۷- پرحرقی- کارگاه کار تونی- سگ بیمار- زندن مسعود سعد سلمان■ ۸- عامل بیماری ایدز- قوس قزح■ ۹- کاخ زمستانی- موسیقی سیاهان- مهاجم ژال مادرید- نئی در موسیقی■ ۱۰- جواب مثبت- ضربه پا در شکم در تکه‌اندو- صومعه■ ۱۱- پرنده ترآرونشین- ترسناک- نام قدیم ری■ ۱۲- دندان‌ه کلید- عرب گوید بگو- قلقل- سیاسی‌گزار■ ۱۳- هر یک از دو سطح سکه- شهری در شرق عربستان- تار نوشت■ ۱۴- آشکار و واضح- سلطان جنگل- صفت عدد■ ۱۵- رمان مشهور هریت بیچراستو- معطوف شدن به یک موضوع

از بالا به پایین

■ ۱- پرمخاطب ترین رسانه جمعی- آیونمان■ ۲-نوعی گروه خونی- درخت سدر- مظهر عدالت■ ۳- بند پای سمی- از اسامی بانوان- مغرور■ ۴- ودیعه- دشواری در کار- نوعی سلاح سرد■ ۵- شراب- سنگ- گسستن و قطع شدن■ ۶- بخار دهان- سزاوار و در خور- ناکس■ ۷- رودی در آلمان- بی غل و غش- شهر جنوب شرقی عراق■ ۸- فرار حیوان- ویژه- از بین رفتن- یادداشت■ ۹- کشت به امید باران- گورکن- میوه سرشار از ویتامین C■ ۱۰- محو کننده- استان سردسیر- پنج آذری■ ۱۱- نام دیگر این سوره «شرح» است- از حروف انگلیسی- از مهم‌ترین روزنامه‌های ترکیه■ ۱۲- آزار و اذیت- رود رنگی- بی در پی■ ۱۳- حرف خطاب- میوه تابستانی- یک ششم مال■ ۱۴- خودروی ایتالیایی- مرد سال فوتبال جهان در سال ۲۰۰۱ میلادی- حمله نظامی-۱۵- نام مادر حضرت موسی- محل تخلیه بار کشتی



راهیان نور

یادمان دهلاویه، یادآور بزرگی و عظمت شهید چمران

هنوز در دهلاویه عشق زبانه می‌کشد

■ **آرمان شریف** دهلاویه نام روستای کوچکی در استان خوزستان و در منطقه دشت آزادگان است. روستایی کوچک که نام‌های بزرگی را به خود دیده است. نام بلندبالای شهید مصطفی چمران چنان با دهلاویه گره خورده که به محض شنیدن نام روستا چهره این فرمانده جنگ در ذهنمان نقش می‌بندد. دکتر چمران با دهلاویه جاودانه شد تا پس از سال‌ها این روستای کوچک به زیارتگاهی برای زائران راهیان نور تبدیل شود. کمتر کسی فکرش را می‌کرد که یک جای دور، یک روستای کوچک به اسم «دهلاویه» که قبل از جنگ کمتر کسی نامش را شنیده بود، این همه زائر پیدا کند و مردم از خاکش برای خود یادگاری بردارند. دهلاویه در تاریخ دفاع مقدس سرگذشتی پر فراز و نشیب دارد. در همان نخستین روزهای جنگ، عراقی‌ها قصد اشغال سوسنگرد را کردند و در این بین دهلاویه در خط مقدم این حمله قرار داشت. مدافعان دهلاویه تعدادشان کم بود و علاوه بر این، نه مهمات کافی داشتند و نه آب و غذای کافی. در



در سال‌های نخست پس از شهادت مصطفی چمران تعدادی از هم‌رزمان و دوستان شهید مصطفی چمران با نصب پلاکاردهایی در محل شهادت دکتر چمران یادمانی ساده برای او درست کردند و یاد مجاهدت‌های عارفانه او را گرمایی داشتند. چند سال بعد یادمان دهلاویه با یاد و خاطره شهید چمران و دیگر شهدای این منطقه در سال ۱۳۷۴ ساخته شد و از آن به بعد به محلی برای گرد هم آمدن عاشقان این چریک عارف تبدیل شد. هر ساله از میانه اسفند تا میانه فروردین یادمان دهلاویه میزبان زائران شخصی، کاروان‌های مساجد و حتی زائران راهیان نور از خارج کشور است. شیفتگان چمران که بزرگی و عظمتش را درک کرده‌اند به دهلاویه می‌آیند تا در هوایی نفس بکشند که زمانی پذیری فرمانده جنگ‌های نامنظم بود. به قول یکی از زائران در دهلاویه آتش هنوز زبانه می‌کشد، آن روزها آتش جنگ بود این روزها آتش عشق، آن روزها مصطفی‌ها روانه آتش گردیدند تا امروز ایران گلستان شود و طرب باشد. به گفته یکی از راویان یادمان دهلاویه، هر سال شمار زیادی از زائران به طور انفرادی و گروهی به زیارت می‌پردازند که اوج اخلاص حضور آنها را در نگاهشان و در جوار مزار شهید گمنام مدفون در این زیارتگاه به راحتی می‌توان مشاهده کرد.

دعای زائران

به گفته یکی از راویان یادمان دهلاویه، هر سال شمار زیادی از زائران به طور انفرادی و گروهی به زیارت می‌پردازند که اوج اخلاص حضور آنها را در نگاهشان و در جوار مزار شهید گمنام مدفون در این زیارتگاه می‌توان مشاهده کرد.

همین حسین شهید علی تجلایی به همراه ۵۰ رزمنده تبریزی از راه رسیدند و قوت قلبی شدند برای مدافعان دهلاویه. باران آتش بود که از سوی دشمن روانه دهلاویه می‌شد؛ از گلوله خمپاره گرفته تا توپ و کاتیوشا. در آخر دهلاویه به دست دشمن افتاد و سوسنگرد از سه طرف محاصره شد. کسی اشغال دهلاویه را تاب نمی‌آورد. در این وضعیت شهید چمران و ستاد جنگ‌های نامنظم وارد عمل شدند تا هر چه زودتر سوسنگرد را از محاصره نجات دهند و دهلاویه را آزاد کنند.

در این بین سپاه، ارتش و نیروهای مردمی هم به میان آمدند و فرمان امام مبنی بر شکست حصر سوسنگرد کار را تمام کرد. پس از شکستن حصر سوسنگرد، رزمندگان

جدول سودوکو

ارقام۹تا۱۹طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع های کوچک سه در سه فقط یک بار به کارورند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۶۱۴

			۳		۵				
					۸	۳		۵	
			۶	۷					
				۴					۵
		۶		۲					
				۷	۹				۴
						۹			
					۸	۷	۴		
					۷	۶		۲	

۷	۸	۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴
۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸
۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶